

تقریب و وحدت در نظرگاه امامان شیعه علیهم السلام

علی دادرو*

چکیده

یکی از اهداف و آرمان‌های مسلمانان «وحدت اسلامی» است. مصلحان مسلمان همواره در تلاش‌اند تا در جهان اسلام اتحاد و همگرایی به وجود آید. جامعه مسلمانان به دلایلی از همان روز نخست پس از رحلت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم دچار شکاف شد. اختلاف در طول سالیان دراز پس از پیامبر، آسیب‌های بسیاری بر امت اسلام وارد نموده است. هرچند این وضعیت نمی‌بایست به وجود می‌آمد اما از همان آغاز، امامان و اهلیت صلوات الله علیه و آله و سلم که دلسوزترین افراد به حال امّت بودند در صدد برآمدند تا با تدارک راهکارها و در پیش گرفتن رفتارهایی نه تنها مانع از آسیب‌های هرچه بیشتر شوند بلکه نوعی از وحدت و همزیستی سودمند را در درون امت اسلام شکل دهند. امام علی صلوات الله علیه و آله و سلم به عنوان مصلح از منادیان و طلایه‌داران اتحاد می‌باشد. او خود را شیفته و حریص ترین انسان نسبت به وحدت مسلمانان دانسته و یکی از علل بیست و پنج سال سکوت خود در برابر خلفا را حفظ وحدت اسلامی یاد نمود. از سوی دیگر همه مسلمانان را به همسویی و همدلی فراخواند تا اتحاد نهادینه شده و شجره طیبه آن به بار بنشینند. امامان و خاندان رسول الله صلوات الله علیه و آله و سلم دارای نگاه و نگرش و روش تقریبی و هم‌گرا بوده و با تأکید بر اخوت ایمانی، گفتگوی سازنده، تأکید بر مشارکت پیروان اهل بیت در مراسم و مناسک عبادی و اجتماعی دیگر هم‌کیشان، سفارش به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی با آنان، ترویج خردورزی و آزاداندیشی و صیانت از یکپارچگی دینی- حاکمیتی در جامعه اسلامی در صدد تأمین تقریب و همگرایی در میان امت اسلام برآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تقریب مذاهب؛ وحدت؛ اتحاد اسلامی؛ امام علی صلوات الله علیه و آله و سلم، ائمه

اطهار صلوات الله علیه و آله و سلم.

* دانش‌پژوه سطح سه رشته شیعه شناسی، موسسه آموزش عالی حوزه‌ی امام رضا صلوات الله علیه و آله و سلم

مقدمه

تقریب و دعوت به وحدت اسلامی و تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز دینی همه مسلمانان با عقاید و مذاهب گوناگون را می‌توان یکی از برنامه‌های اصلی و سیره ثابت همه امامان معصوم علیهم السلام دانست به طوری که بررسی سخنان، سیره و عملکرد این بزرگواران در طول دو قرن و نیم حضورشان این مطلب به اثبات می‌رساند. با توجه به نیازها و ملاحظات عصر هر امامی و با عنایت به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فکری جامعه اسلامی، رویه و راهکار عملی وحدت و تقریب در دستور کار ائمه قرار می‌گرفت. خاندان وحی سعی می‌کردند با شناسایی دقیق مشکلات جامعه اسلامی و معضلاتی که باعث بروز اختلاف و ایجاد شکاف در میان مسلمانان می‌گردد، برنامه‌ای دقیق و مبنی بر اصول صحیح اسلامی ارائه نمایند. برنامه‌ها و کارهایی که اجرا می‌شد با عنایت به این مهم صورت می‌گرفت که نظام فکری جوامع اسلامی به صورتی صحیح اصلاح گردیده و بنیان‌های امت واحده اسلامی در جهت رسیدن به همبستگی اجتماعی - دینی تقویت و ترویج یافته تا همه گروه‌های اسلامی به دوراز نزاع و درگیری‌های بی‌حاصل در کنار یکدیگر و با همیاری بیشتر به بالندگی و توسعه دینی دست یابند. مسئله وحدت امت اسلامی به صورتی در دستور کار این بزرگواران قرار گرفته بود که جامعه اسلامی با اکثریت اهل سنت دچار این شببه نشود که باید به یکباره دست از اعتقادات خود بردارد، چراکه نه معنایی تقریب و وحدت اسلامی این است و نه چنین کاری ممکن بود. باید بسترها و راهکارهای لازم در جهت ایجاد جامعه دینی - اسلامی مبنی بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، فراهم می‌گردید تا با درک درست و متقابل از هم به شناخت هر چه بیشتر از زوایای دین مبین اسلام می‌رسیدند. ائمه اطهار علیهم السلام تمام همت و کوشش خود را در رسیدن به این هدف معطوف داشته و به روشنگری در این زمینه پرداختند. در سخنان، روایات و آموزه‌های آنان به فراوانی بر مسئله وحدت، همدلی، پرهیز از

تفرقه و تقریب تأکید شده و بیش از هر چیزی به همبستگی مسلمانان توجه شده است. آنان سعی کردند با ارائه برخی راهکارها و بیان شفاهی و عملی برخی دستورات به تحقق این امر و استحکام اصل اخوت و همبستگی اجتماعی مسلمانان توجه کرده و زمینه تحقق آن را آماده نمایند.

اهمیت و ضرورت وحدت از منظر امام علی

در اسلام وحدت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن در ضمن آن‌که همگان را به همگرایی و همبستگی فراخوانده است؛ از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یادکرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است. واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا واذکروا نعمۃ الله علیکم اذکرتم اعداءً فالله بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً...^۱ در این آیه به اتحاد مسلمان دستور داده شده است.

«قل هو القادر على ان يبعث عليکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلكم او يلبسکم شيئاً»^۲ در این آیه برای تفرقه عذابی عظیم را وعده داده است.

امام علی همبستگی را زمینه ریزش فیض الهی دانسته^۳ و وحدت را یکی از ارمغان‌های بعثت پیامبر اسلام^{علیہ السلام} بیان می‌نماید.^۴ او خود را شفیته و حریص‌ترین انسان نسبت به وحدت اسلامی دانسته است. آن حضرت عزتمندی و موفقیت و ذلت امتهای گذشته را مبنی بر همگرایی و اختلاف دانسته و فرمود: «اگر بیندیشید در تفاوت احوال آنان در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی، آنگاه لازم می‌شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزت و

۱. آل عمران، آیه ۱۰۳. همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را برخود به یادآورید که چگونه دشمن یک دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.

۲. انعام، آیه ۶۵. بگو او قادر است عذابی از طرف بالا و یا از زیر پایتان برشما فروفرستد و یا آن که لباس تفرقه و پراکنگی برشما بپوشاند.

۳. ر.ک: عبدالمجید معایخواه، فرهنگ آفتاب، ناشر: انتشارات ذره، تهران، ج ۱، ص ۸۵؛ نهج البلاغه، تصحیح سیدعلی نقی فیض‌الاسلام، خطبه ۱۷۵.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۴۴؛ شرح ابن‌ابی الحدید، ج ۱، ص ۹۳.



اقتدار آنان شد و دشمنانشان را از آنان دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبت و توصیه و تشویش بر همگامی و همبستگی...» بنگرید آنان چگونه بودند هنگامی که جمعیت‌هایشان متعدد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و هدف‌ها همه یکی بود؛ آیا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟! از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آنان واقع شد، الفتshan به تشتن گرایید، اهداف و دل‌ها اختلاف پیدا کردند، به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، باهم به نبرد برخاستند (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب شد و تنها سرگذشت آنان در میان شما باقی‌مانده که مایه عبرت برای عبرت گیرندگان است.^۱

۷۶

تعريف وحدت

وحدة و اتحاد به معنای یکتایی و یگانگی است.^۲ مراد از وحدت اسلامی به معنای یکی‌شدن مذاهب نیست. این وحدت نه شدنی است و نه منظور داعیان این نوع وحدت است. وحدت به معنای نادیده گرفتن اختلافات و شیعه‌شدن سنتی، یا سنتی‌شدن شیعه نیست. مقصود از وحدت اسلامی، همبستگی مسلمانان و اتحاد پیروان مذاهب گوناگون با وجود اختلافات مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و بیگانگان است. معنای صحیح وحدت شیعه و اهل سنت این است که با توجه به این‌که بین دو مذهب مشترکات بسیاری است، دو گروه باید بر محور این مشترکات به هم نزدیک شوند؛ برای حفظ و تعالی اسلام با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند چراکه هر دو، دشمن واحدی دارند. دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوءاستفاده آنان

۱. همان.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب العین، ج ۱، تصحیح موسسه نشر اسلامی، سال چاپ ۱۴۱۴ هق، ص ۱۴۲.

از اختلافات باید در مقابل آنان بر وجوه اشتراک خود تکیه کنند تا بتوانند بر دشمنان اسلام که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کنند.^۱

اصولاً واژه «وحدة» یا «اتحاد» در مسائل اجتماعی در مواردی استفاده می‌شود که نوعی اختلاف وجود داشته باشد تا وحدت به وجود آید و بدون وجود اختلافات، اتحاد موجود است و نیاز به وحدت نیست و حال آنکه در اسلام دعوت به همگرایی شده است.^۲

معنای وحدت آن نیست که اقلیت‌های مذهبی از عقاید خود دست برداشته و عقیده واحد داشته باشند یا سنّهای شیعه و شیعیان سنی شوند بلکه مقصود از وحدت آن است که همه افراد و گروه‌های یک جامعه با بهره‌گیری از عوامل وحدت و با اتخاذ سیاست‌های اصولی و منطقی در قبال سیاست‌های خصم‌مانه دشمن مشترک خود، متحد بوده و از اختلافات غیرمعقول پرهیز کرده و اختلافات خود را با تبادل اندیشه حل نموده و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند. مقصود از وحدت در سیره امام علی علیهم السلام نیز بدین معناست که آن حضرت علی رغم آن‌که ولایت را حق خود دانسته و با خلفاً اختلاف داشت و سیاست آنان را نقد می‌کرد ولی در هنگامی که دشمنان مشترک مسلمانان، اصل دین و مصالح عمومی امت اسلامی را تهدید می‌کردند، آن حضرت با خلفاً همکاری می‌کرد.^۳

عوامل وحدت و تقریب در اسلام

مرجعیت علمی علی علیهم السلام

اگر به دوران خلفای نخست و زمانی که حضرت علی علیهم السلام از خلافت کنار گذاشته شده بود، مرجعیت علمی آن حضرت، امری مسلم و یقینی بود.

۱. ر.ک. سید عبد الحسین شرف الدین، اجتهاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی، چاپ دوم، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ ق. ص ۸.

۲. ر.ک: سوره انعام، آیه ۱۵۹؛ عبدالله ابن قتیبه الدینوری، الامامة والسيامۃ، ج ۱، صص ۱۱۹ و ۱۲۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶؛ احمد ابن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت، ص ۱۲۲.

نقش و جایگاه امام علی علیہ السلام در پیشبرد اسلام چه در عصر نبوی و چه بعد از آن مورد اتفاق همه مسلمانان است. در تاریخ اسلام، شخصیت و مقام علمی امیر المؤمنین علی علیہ السلام محبوب بین تمام مذاهب اسلامی بود. آن حضرت از طرف همه مذاهب موردن قبول و پسند قرار گرفته و حتی بسیاری از فرق مثل اباضیه که منسوب به خوارج هستند، شخصیت ایشان را بالاتر از همگان می‌پنداشتند.

فرزند احمد حنبل نقل می‌کند: روزی در منزل امام احمد (امام حنبله) نشسته بودیم و بحثی در رابطه با خلافت علی علیہ السلام داشتیم که آیا مناسب بود او خلیفه مسلمانان شود یا خیر. امام احمد که این سخنان ما را شنیده بود با ناراحتی و آشفته وارد جلسه شد و گفت: چه اتفاقی برایتان افتاده که درباره خلافت علی علیہ السلام بحث می‌کنید، به خدا قسم خلافت زینت علی نبود بلکه علی علیہ السلام زینت خلافت بود.^۱

دو خلیفه نخست در بسیاری از مسائل و احکام شرعی به امام علی علیہ السلام مراجعه می‌کردند و خلیفه اول ابوبکر می‌گفت: ای مسلمانان، علی وارث علم پیامبر است هر که در راستی او شک کند منافق است. عمر بن خطاب، خلیفه دوم - دائماً به امام علی علیہ السلام مراجعه می‌کرد و می‌گفت: پناه می‌برم به خدا از اینکه در قومی باشم که اباالحسن در آن نباشد. دریکی از این سخنانش می‌گوید: خداوند مرا با مشکلی که ابوالحسن حلال آن نباشد، تنها نگذارد. جمله معروف دیگر خلیفه دوم که در بیش از ۷۰ موضع به آن اقرار کرده این است که اگر علی علیہ السلام نبود، عمر هلاک می‌شد. بنا بر گزارش‌های فراوان، خلیفه دوم معمولاً نظر حضرت علی علیہ السلام را بر نظر سایر صحابه مقدم می‌کرد، به طوری که امر کرده بود، با حضور علی علیہ السلام در مسجد، کسی حق فتوا ندارد و در جلسات شورا، نظر نهایی را از آن حضرت می‌خواست. در رفتار و گفتار آنان نوعی از خضوع به



شخصیت و جایگاه علمی امام علی علیہ السلام مشاهده می‌شود. عایشه باینکه در مقابل حضرت علی علیہ السلام به نزاع و جنگ برخاست، در بسیاری از موارد، سخنانی در خصوص مراجعه به حضرت علی علیہ السلام به عنوان مرجع علمی همه مسلمانان دارد و در این باره می‌گوید: به نزد ابا الحسن بروید که او داناتر از من است.^۱

ابن قیم از عالمان بزرگ اهل سنت معتقد است: اصحاب کبار از علی علیہ السلام به عنوان متخصص قرآن (اهل الذکر) استفاده کرده‌اند و همواره مشکلات خود را از آن حضرت می‌پرسیدند. علم و دانش حضرت علی علیہ السلام به قدری برای همگان شناخته شده بود که مرجعیت علمی ایشان نه تنها برای خلفاً و صحابه معتبر بود، بلکه فقهای شام و عراق نیز در هر مسئله‌ای دچار اشکال می‌شدند، به آن حضرت رجوع می‌کردند. به همین خاطر عالمان اهل سنت در دوره‌های بعدی به علوم امام علی علیہ السلام استناد می‌کردند. فخر رازی پس از پذیرش قول امام علی علیہ السلام در جهر به بسم الله می‌گوید: کسی که در دینش به علی ابن ابی طالب علیہ السلام اقتدا کند، هدایت یافته است و در تفسیرش می‌نویسد: ما در هر چیز شک کنیم در این امر شک نخواهیم کرد که هرگاه میان قول انس و ابن فضل و علی بن ابی طالب علیہ السلام، تعارض شود عمل به قول علی علیہ السلام اولی است زیرا او به رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم نزدیک‌تر است.^۲

مرجعیت علمی اهل‌بیت علیہ السلام

اهل‌بیت پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم همواره به عنوان چهره‌های مقبول نزد همه مسلمانان مورد احترام و توجه بودند و مسلمانان با وجود همه اختلاف‌های فکری، اعتقادی و وابستگی به جریان‌ها و مکاتبی که داشتند، برای اهل‌بیت علیہ السلام جایگاه خاص و والا در نظر گرفته و به آنان توجه خاصی نشان می‌دادند. مسلمانان در مشکلات و

۱. قاضی نعمان، *شرح الأخبار فی فضائل الائمه الأطهار*، محمدحسین جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، خلافة الإمام علی علیه السلام، ص ۲۱.

۲. علامه سید محمد حسین طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ج ۳، ص ۲۳۰؛ علی نمازی شاهروodi، مستدرک سفینة البحار، ج ۱۰، ص ۱۱۸.



معضلات علمی خود بر این باور بودند که اهل بیت  مرجع علمی قابل اطمینانی در همه علوم اسلامی و دانای به شریعت و دین می‌باشند و می‌توان از دانش آنها در موارد گوناگون استفاده کرد. این باور امروزه این قابلیت را دارد که محوری مهم برای تقریب تمام جوامع اسلامی گردد.^۱

از نظر تاریخی اهل بیت  و پیروان ایشان همواره امت اسلام را به وحدت دعوت نموده‌اند و هرگز اختلافات فقهی و مسئله امامت و خلافت را دلیل بر خروج از مذهب و مخالفت با وحدت که حکمی الهی است، ندانسته‌اند. بر اساس نظر شیعه، اهل بیت  به سبب جایگاه ویژه‌ای که در قرآن و نزد رسول اکرم  داشته‌اند، در پیروی و الگو قرار گرفتن بر دیگران برتری دارند و تمسک به آنان واجب است اما در میان اهل سنت این اعتقاد بدین صورت دیده نمی‌شود و البته موجب بروز مشکلاتی برای آنان شده است.^۲

علامه طباطبایی (ره) در خصوص شأن علمی اهل بیت  در اسلام معتقد است: برخی از امت اسلامی بعد از رسول خدا  به اهل بیت ایشان رجوع کردند و آنان را مرجع خود قراردادند و برخی دیگر از اهل بیت اعراض کردند که این عده در حفظ دین و کسب معارف آن توفیقی نیافرتند، در حالی که پیامبر  درباره اهل بیت  به آنان توصیه کرده بود و امت اسلامی باید معارف دین را از اهل بیت می‌گرفتند و بزرگ‌ترین آسیبی که به معارف قرآنی وارد شد، همین اعراض برخی مسلمین از مکتب اهل بیت  و عدم استفاده از علم آنان است.^۳

مرجعیت علمی و جایگاه رفیع اهل بیت پیامبر  می‌تواند در میان مسلمانان به عنوان یکی از محورهای اساسی تقریب مذاهب اسلامی، در مسیر اتحاد مسلمین نقش به سزاپذیری ایفا نماید و با پذیرش این حقیقت که مرجعیت

۸۰



۱. محمد سعید معز الدین، ندای وحدت، انتشارات مجمع جهانی تقریب، صص ۲۷۵ و ۲۸۰.

۲. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان ج ۳، ص ۲۶۱؛ مستدرک سفينة البحار، ج ۱۰، ص ۶۹.

۳. استاد مرتضی مطهری، امامت و رهبری، صص ۵۱-۵۲.

علمی ائمه علیهم السلام تا حد زیادی مورد قبول ائمه مذاهب اسلامی بوده است، گام‌های مهم و اساسی در مسیر تقریب دو مذهب شیعه و اهل سنت برداشته می‌شود. مسلمًا شیعه و اهل سنت از نظر مسائل فقهی یا نگاه به سیر تحولات تاریخی و جانشینی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، باهم تفاوت دارند ولی مرجعیت علمی اهل‌بیت نکته‌ای است که همگی بر آن اتفاق نظر دارند.^۱

جایگاه اهل‌بیت علیهم السلام نزد ائمه سایر مذاهب

اهل‌بیت علیهم السلام در نگاه ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت از مقامی والا و ممتاز برخوردار هستند، به طوری که آن‌ها معترض به ولایت و محبت اهل‌بیت، فضایل و مناقب و مرجعیت علمی آنان بوده و از اهل‌بیت به‌گونه‌ای با تعظیم و تجلیل یاد می‌کند که در مورد هیچ‌کس دیگری چنین تعظیمی از آنان دیده نشده است.

جایگاه علمی اهل‌بیت علیهم السلام از دیدگاه پیشوایان مذاهب اربعه پذیرفته شده بود و حتی بسیاری از ائمه مذاهب اسلامی و فقهای بزرگ مذاهب اربعه از دروس علمی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام استفاده کرده و از علوم و معارف اهل‌بیت علیهم السلام کسب فیض کرده بودند. ابن عقدہ نام چهار هزار از فقیهان و محدثانی را که از امام صادق علیه السلام روایت کرده یا نزد ایشان تلمذ داشتند را بر شمرده است.^۲

ابوحنیفه به عنوان یکی از ائمه چهارگانه، محب و دوستدار اهل‌بیت رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم بود و به آنان احترام می‌گذاشت و به فضائل و مناقب ایشان باور داشت و علاوه بر اینکه علم و دانش را از آنان فراگرفت، به حقانیتشان نیز حکم می‌کرد و از ائمه اطهار علیهم السلام شیعه، تمجید و ستایش می‌نمود. ابوحنیفه درباره امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام فضایل و مناقب فراوان نقل کرده است.^۳

۱. ابن‌بازی، مناقب ابی حنیفة، ج ۲، ص ۸۳

۲. همان

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۶۵، علی محمد بجاوی، الانتقام، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.



درباره تعامل ابوحنیفه با امام صادق علیهم السلام در منابع شیعی و سنی آمده است که وی سخت تحت تأثیر شخصیت و مقام علمی امام صادق علیهم السلام بود. ابن حجر از میان اهل بیت علیهم السلام این سه نفر را از اساتید مسلم ابوحنیفه معرفی می‌کند: امام باقر علیهم السلام، امام صادق علیهم السلام و جناب زید بن علی علیهم السلام. در جامع المسانید ابوحنیفه، رابطه دوستانه‌اش با حضرت صادق علیهم السلام بیان گردیده است.^۱

این سخن مشهور ابوحنیفه که اگر نزد امام صادق علیهم السلام علم آموزی نکرده بودم، هلاک می‌شدم، بیانگر مقام علمی و مرجعیت آن حضرت است و میزان اعتماد او نسبت به دانش امام را مشخص می‌کند.

همچنین اعتماد ابوحنیفه به روایات اهل بیت علیهم السلام بیانگر مرجعیت علمی ایشان است. ابوحنیفه ضمن نقل روایات نسبتاً زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام که در مسانید او فراوان به چشم می‌خورد، به احادیث منقول ایشان نیز اعتماد می‌کرد و در پی بررسی سلسله سند آن‌ها نبود و می‌گفت از کسانی که به صورت مستقیم می‌گویند قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیازی به سؤال در سند نیست.^۲

در منابع شیعی، ابوحنیفه در سلسله روایات اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته و مشخص است که ابوحنیفه برای به دست آوردن پاسخ مسائل علمی خود به اهل بیت علیهم السلام مراجعه می‌کرد و نشان می‌دهد که مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام نزد این امام اهل سنت قطعی بوده است. به هرروی عشق و علاقه بزرگان و رؤسای مذاهب اهل سنت نسبت به اهل بیت علیهم السلام امری مسلم و غیرقابل انکار است.^۳

سخن معروف مالک بن انس در مورد شخصیت و جایگاه والای علمی امام صادق علیهم السلام شاهدی بر این مدعای است که می‌گوید در علم و عبادت و پرهیزگاری

۸۲

۱. ابن بزاری، همان، ص ۳۱۶؛ احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی، تاریخ مدینه السلام، ج ۱، بیروت، ص ۳۹۹.
۲. همان.

۳. ابن میمون - ابوالعز قلانسی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ناشر: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، مدخل «ابوحنیفه»، ص ۳۸۱.

برتر از جعفر بن محمد علیهم السلام هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.

امام مالک با بیان این سخن که من فقیه‌تر از جعفر بن محمد (امام صادق) ندیده‌ام، صراحتاً بر مرجعیت علمی آن حضرت اعتراف می‌کند. سایر علماء و بزرگان اهل سنت نیز ضمن ارادت به ائمه و اهل بیت علیهم السلام مرجعیت علمی آنان را قبول کرده‌اند گرچه در مرجعیت سیاسی ایشان توقف کرده‌اند.^۱

جایگاه اهل بیت علیهم السلام در متون اسلامی

در مجامع روایی و حدیثی اهل سنت و شیعه روایات مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت ذکر شده و در بیشتر آن‌ها به صراحت برتری علم اهل بیت و لزوم مودت و محبت نسبت به آنان اعلام شده است.^۲

همین توجه باعث شده تا جایگاه اهل بیت علیهم السلام در میان همه مسلمانان جهان اعم از شیعه و اهل سنت بی‌همتا محسوب شود و این ظرفیت قابلیت دارد، تا به عنوان یکی از زمینه‌های وحدت و راهبردی مهم در تقریب امت اسلامی مورد عنایت قرار گیرد. چراکه بین شیعه و اهل سنت در مورد علوم اهل بیت علیهم السلام همچون امام صادق علیهم السلام هیچ اختلافی نیست و عالی‌ترین شخصیت‌های محبوب اهل سنت قسمت زیادی از علوم و دانش خود را از این مکتب فراگرفته‌اند.^۳

علاوه بر اینکه تعداد چهار هزار شاگردی که در مکتب امام صادق علیهم السلام تربیت شده‌اند، هر یک عالمی شاخص، برجسته و قابل اعتماد در فقه، حدیث، تفسیر و... گردیده‌اند که در نشر معارف و علوم دینی جامعه اسلامی تأثیرات عمیقی بر جا نهاده‌اند. در جهان اسلام، وامدار این مکتب علمی می‌باشد. از این رو

۱. شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۷؛ محمد ابن اسماعیل بخاری، تاریخ الكبير، ج ۲، صص ۱۹۹ و ۱۹۸.

۲. معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه قم، کتاب برای مبلغان، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: مبلغان، شماره ۳۴، آبان ۱۳۸۱ ص ۱۲۸.

۳. قاضی میرحسین میبدی، شرح میبدی، مقدمه، ص ۱۶.



مرجعیت علمی اهل بیت  از گذشته تا به امروز حق عظیمی در احیاء و توسعه دانش‌های اسلامی و البته تقریب و وحدت همه گروه‌های اسلامی داشته و در زمان حال علاوه بر اینکه می‌تواند محوری مهم در تقریب امت اسلامی گردد، برای حل مشکلات و مسائل لایتحل علمی، اجتماعی، فرهنگی جهان اسلام مفید خواهد بود.

در خاتمه به حدیثی از پیامبر  در این زمینه اشاره می‌شود که بر اساس آن اهل بیت  و خاندان وحی کشتی نجات همگان هستند. در این روایت تصویر شده اهل بیت  مایه نجات مردمان است، چنانکه می‌فرماید: اهل بیتی کسفینه النوح؛ اهل بیت من (در نجات انسان‌ها) همانند کشتی نوح هستند. بنابراین روایت تنها راه نجات، توصل و پیروی از رفتار و سیره اهل بیت  می‌باشد که بسان کشتی نوح همراهن خود را به سلامت به مقصد می‌رسانند. همچنین از اشعاری که در فضیلت اهل بیت  سروده شده نیز می‌توان به جایگاه پذیرفته شده آن‌ها نزد همه مسلمانان پی برد. اگر در تاریخ دقت کنیم، می‌بینیم که اهل بیت  علاوه بر اینکه در قرآن، سنت و تاریخ مورد احترام و توجه بودند در ادبیات و اشعار نیز بسیار محترمانه از آن‌ها یادشده است. و تمام این‌ها بیانگر این واقعیت است که اهل بیت  مرجع علمی امت اسلامی بوده و هستند و باید همین نکته را برای تقریب برجسته نمود. چرا که با پذیرش مرجعیت اهل بیت  مسلمانان می‌توانند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل نمایند و در غیر این صورت با مشکلات بسیار زیادی روی رو خواهند شد. بنابراین برتری علمی و مرجعیت اهل بیت  مورد اجماع تمام مسلمانان است^۱ و مقبولیت ایشان در مرجعیت علمی، میان تمام امت اسلامی راهی برای تقریب بین شیعه و اهل تسنن می‌باشد، اما متأسفانه این مسئله به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که مرجعیت



علمی اهل بیت علیهم السلام بهترین و برترین اقدام ممکن در یکپارچه شدن و وحدت میان تمام مذاهب اسلامی خواهد بود. اما هنوز مسلمانان نتوانستند آن‌گونه که شایسته است بر محور اهل بیت علیهم السلام به وحدت و هماهنگی کامل برسند و شایسته است تا در این زمینه اقدامات بیشتری انجام شود بهویژه که ظرفیت‌های زیادی در این زمینه موجود است. بی‌شک نقش علماء و اندیشمندان شیعی در این زمینه و در معرفی چهره حقیقی و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام برای همه مسلمانان بسیار حائز اهمیت است و باید با بهره‌گیری از سیره و روش آنان چهره برتر و سیمای حقیقی اهل بیت علیهم السلام به دیگران معرفی شده و مسلمانان بهسوی آنان رهنمون گردند. شیعه و اهل سنت می‌توانند با تأکید بر مسئله مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام به عنوان یکی از مشترکات خود گامی مؤثر در پیروی از علمای سلف خود بردارند و با این کار ضمن تقریب این دو گرایش فکری اسلامی، بسیاری از مشکلات پیش روی خود را نیز برطرف نمایند.

راهکارهای تقریب عبادات و مناسک دینی

در دستورات و روایات ائمه اطهار علیهم السلام به فراوانی بر لزوم شرکت همه مسلمانان و بهویژه شیعیان در همه مراسم‌های دینی و عبادی جامعه اسلامی تأکید و سفارش شده است. هرچند در آن عصر این‌گونه عبادات و مناسک دینی زیر نظر کسانی انجام می‌شد که از لحاظ سیاسی و فکری در زمرة مخالفان و رقبای اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رفتند.

بی‌شک حضور در عباداتی همچون نماز در کنار سایر مذاهب اسلامی امری است که کمک بسیاری به تقریب و وحدت اسلامی می‌کند. به همین جهت در دستورات ائمه اطهار علیهم السلام شرکت در نماز جماعت همراه مخالفان مذهبی و حتی امامت و اذان‌گویی برای آنان دیده می‌شود و به حدی به این امر تأکید شده است

که بی رغبتی نسبت به حضور در جماعت مسلمانان و اقامه فردی نماز را موجب بی ارزشی این عمل دانسته‌اند.

امامان شیعه با این دستور که گامی بزرگ در نزدیکی و آشنایی بیشتر عموم مسلمانان باهم بود، توانستند این باور را در جامعه اسلامی جا بیندازنند که نباید هیچ مسلمانی تنها به خاطر برخی اختلافات در امور دینی، خود را از دیگر مسلمانان جدا بداند و از اجتماع اسلامی فاصله بگیرد.

بدین گونه بنیان این اندیشه که برخی خود را تافه‌ای جدا باfte از جامعه اسلامی می‌دانستند، متزلزل شده و همه مسلمانان با مذاهب مختلف به این مسئله واقف شدند که نباید به خاطر برخی امور دینی و عبادی از گستره جمعی مسلمانان فاصله بگیرند.

اگر به منابع روایی و حدیثی مراجعه شود در اکثر مجموعه‌های روایی و حدیثی شیعه درباره نماز جماعت (به صورت عام) و بیان استحباب آن، بابی در نظر گرفته شده و روایات فراوانی از امامان شیعه درباره اهمیت و جایگاه نماز جماعت و حتی ترجیح آن بر فضیلت نماز اول وقت گردآوری شده است. در برخی از این روایات وقتی از ائمه معصومین علیهم السلام درباره اقامه نماز جماعت با مخالفان مذهبی سؤال شده، امام در ضمن پاسخ به تأیید این کار پرداخته و برای آنکه شک و شبھه‌ای در آن برای کسی باقی نماند به سیره امیر المؤمنین علی علیه السلام اشاره می‌کند که پشت سر خلفا نماز می‌خوانده است.^۱

بر پایه عنایت و توجه به همین روایات و با استناد به سیره امامان معصوم علیهم السلام فقیهان بزرگی همچون امام خمینی(ره)، آیت الله خویی(ره) و بسیاری از مراجع تقلید، فتوا بر مُجزی و کفایت نماز جماعت و دیگر اعمال عبادی با

۱. شیخ حر عاملی، التوادر، انتشارات موسسه آل الیت، قم، ص ۱۲۹، وسائل الشیعه(آل الیت)، ج ۸، ح ۱۰۷۲۶، ص ۳۰۱.

مخالفان داده‌اند. این فتوای علماء بزرگ شیعه در عصر ما گامی بزرگ در عرصه تقریب میان شیعه و اهل سنت گردید و نشان داد، بازخوانی سیره ائمه اطهار علیهم السلام با نگاه وحدت‌گرایانه چه میزان می‌تواند در همبستگی و وحدت امت اسلامی تأثیرگذار باشد. امام خمینی(ره) به عنوان عالمی بزرگ و فقیهی ممتاز و انقلابی بر این عقیده است که امامان شیعه، در بیش از دو قرنی که حضور داشتند، همواره با مراسم عبادی اهل سنت همگام بوده و در وقوف حج و یوم الشک رمضان با آنان مخالفتی نکردند و نه تنها گزارشی از مخالفت نیست بلکه از قضاکردن اعمال توسط آنان به ما هیچ خبری نرسیده است.^۱

۸۷



شرکت در نماز جمعه و نمازهای عید فطر و عید قربان نیز راهکار دیگری در عرصه تقریب توسط ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد، در عصر آنان، این اعمال عبادی بر طبق مذهب اهل سنت انجام می‌شد ولی امامان عموماً مشوق حضور مردم و البته اصحاب و منسوبان به خود در این مراسم‌های عبادی و اجتماعی بودند. وجود احادیث مختلف درباره اهمیت، اجر و ثواب و چگونگی اجرای این مراسم در منابع و مجامع روایی و حدیثی گواهی بر این مدعای است. در برخی از این روایات مسافرت قبل از اقامه نماز جمعه مکروه دانسته شده و سفارش کردن تا حضور در این گونه نمازها بانشاط و آمادگی همراه باشد و حتی حرکت به سمت نماز جمعه را موجب خلاصی از آتش جهنم دانسته‌اند.^۲ همچنین بنا برگزارش یکی از روایات، امام محمد باقر علیه السلام به یکی از اصحابش توصیه می‌کند که امثال او باید در نماز جمعه شرکت نمایند.^۳

فریضه حج در زمرة همین اعمال عبادی محسوب می‌شود که باید مسلمانان در کنار هم به آن پردازند. قابلیت زیادی در پیشبرد اهداف تقریب گرایانه و

۱. روح الله خمینی، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی(س) ۱۲۷۹-۱۳۶۸، انتشارات تهران ۱۳۹۲، ص ۲۶.

۲. اسماعیل معزی، جامع احادیث شیعه، ج ۶، انتشارات مهر ۱۴۲۲ ق، صص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۳. اسماعیل معزی، همان، ج ۶، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

وحدث بخش در این فرضیه الهی نهفته است. ازین رو در روایات بسیاری از ائمه اطهار علیهم السلام بر وجوب، فضیلت، ثواب و پاداش این فرضیه تأکید شده است^۱ و از طرفی بهشدت بر لزوم پرهیز از بی اعتنایی به فرضیه الهی هشدار داده‌اند و بر تداوم توجه همگان به این عمل عبادی جمعی تأکید و ترغیب کرده‌اند.^۲

شرکت در فرضیه حج علاوه بر عبادت و تقرب الهی، فرصت بسیار مناسبی در جهت بیان، تحکیم و تثبیت باورهای وحدت‌آفرین اجتماع اسلامی در درون خود دارد و امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند تا خود در این مراسم عبادی حاضر شوند و هم دیگران را به شرکت در آن توصیه می‌کردند.^۳ ائمه بیشتر اوقات نه تنها خود با پای پیاده در این عبادت دسته‌جمعی و البته با امارت مخالفان شرکت می‌کردند بلکه آن را جهاد ضعیفان و شیعیان و از اسباب شناخت مسلمانان نسبت به یکدیگر و عمیق شدن پیوند اجتماعی آنان می‌دانستند و به همین جهت حتی ترک آن را همسان با کفر و ارتداد تلقی می‌کردند.^۴

این در حالی است که اداره امور حج همواره به دست قدرت‌های سیاسی مخالف بود و آنان به صورت مستقیم و با نصب امیرالحاج بر این مراسم نظارت داشتند و به نظر می‌رسد که ائمه در مسائل عمومی حج از امیرالحاجی که از طرف حکومت تعیین شده بود تعییت می‌کردند. حج فرصت خوبی برای دست‌یابی به اهداف وحدت‌بخش و تقریب‌گرایانه ائمه بود و محلی برای برخورد و تلاقی اندیشه‌های اسلامی به شمار می‌رفت که گزارش‌های زیادی از ارتباطات امامان علیهم السلام با سایر پیروان و به‌ویژه عالمان مذاهب مختلف در تاریخ وجود دارد.

۱. ثقہ الاسلام کلینی، اصول کافی، جلد ۳، ص ۴۲۹.
۲. الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۳، باب فضل یوم الجمعة و لیله ص ۴۱۵.
۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۴۲۰ و ۴۲۲.
۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات موسسه آل البيت، قم ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ابواب جهاد النفس و ما می‌ناسبه، ب ۳۱، ح ۴۶، ص ۳۲۹.

معاشرت و مدارا

در سیره و رفتار ائمه اطهار علیهم السلام با سایر مسلمانان آنچه بهوضوح دیده میشود، معاشرت و مدارای بسیار و بر پایه اخلاق پسندیده اسلامی است. این تلاش‌ها در راستای رشد و تقویت بنیان‌های اخلاقی و حفظ برادری صورت می‌گرفت علاوه بر اینکه کمک بسیاری در جهت همبستگی و وحدت میان مسلمانان به حساب می‌آید، راهکاری عملی برای همه زمان‌ها و همه مسلمانان می‌باشد.

سیره عملی امامان حکایت از این دارد که آنان بر ضرورت رعایت اصل مدارا در تمامی رفتارهای اجتماعی، فردی و عرصه‌های فکری، اخلاقی و حقوقی تأکید و توجه داشتند و همواره با دیگران بر اساس اخلاق و ادب برادری و مسلمانی رفتار می‌کردند و هیچ‌گاه در سلوک اجتماعی با آنان از شیوه‌های تنگنظری، سختگیری، درشت‌خوبی و ناسزاگویی استفاده نمی‌کردند.

در سخنان، دستورات و تعالیم ائمه توصیه‌های فراوانی نسبت به برادری دینی و همزیستی اجتماعی با پیروان مذاهب مختلف دیده می‌شود. در جوامع حدیثی و روایی شیعه، بابی با عنوان «باب مدارا» دیده می‌شود که در آن برای آداب معاشرت باهم نوعان دستوراتی داده شده و بهویژه در برخورد با مخالفان مذهبی راهکارها و نمونه‌هایی ارائه گردیده است.^۱ دریکی از این روایات وقتی معاویه بن‌وہب از امام صادق علیهم السلام درباره چگونگی رفتار با مخالفان سؤال می‌کند، امام در پاسخ می‌فرماید: به امامان خود بنگرید که چگونه با آنان رفتار می‌کنند و همان‌گونه عمل نماید، به خدا سوگند که آنان (ائمه) از مریضشان (مخالفان)

۱. محمد محمدی ری شهری، *العلم و الحكمة في الكتاب والسنّة*، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ص: ۳۲۳؛ علامه محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار* (ط - بيروت)، ج: ۲، ص: ۶۲.

عیادت می‌کنند و بر جنازه‌هایشان حاضر می‌گردند و در میان آنان به حق گواهی می‌دهند و امانتشان را به آنان بازمی‌گردانند.^۱

از مصاديق مدارا باید به خوش‌خلقی و ملایمت اشاره کرد. به تجربه نیز اثبات شده که این گونه اخلاق، آثار مثبتی چون جلب محبت، هدایت‌پذیری بهتر، فراوانی دوستان، ایجاد پیوند و وحدت بیشتر در میان جامعه دینی به همراه خواهد داشت. امام صادق علیه السلام در دستور اخلاقی خود به «عنوان بصری»، حلم و بردباری در برابر مخالفان را از اركان اخلاق اسلامی و وظایف سالکان می‌داند و به آن توصیه اکید دارد.^۲ جالب این‌که در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام مدارا، خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری با مخالفان مذهبی علاوه بر اینکه باعث زینت و جلوه رفتاری و کرداری شیعیان و امامانشان دانسته شده، از عوامل مهم جلب توجه به مکتب اهل‌بیت نیز به شمار رفته است.

مردی شامی تحت تأثیر تبلیغات معاویه در برخورد با امام حسن مجتبی علیه السلام در ناسزاگویی از حد گذشت اما پاسخی جز سلام، تبسم و محبت از امام ندید و بهترین شاهد بر مدعای ما است. وقتی مرد شامی رفتار بزرگوارانه، محبت و کرامت امام را دید، با شرم‌مندگی اعلام کرد: گواهی می‌دهم که تو شایسته امامتی و خدا آگاه است که نمایندگی اش را در کجا قرار دهد تا این ساعت تو و پدرت نزد من از همه مبغوض‌تر بودید و اینک کسی از شما نزد من محبوب‌تر نیست.

بر همین اساس، ائمه اطهار علیهم السلام همواره تلاش می‌کردند، در برخورد هدایت گرایانه با دیگران از پرخاشگری و ناسزاگویی، حتی نسبت به دشمنان و مخالفان پیرهیزند. هیچ موردی از ناسزاگویی و بکار بردن کلمات ناشایست توسط آنان حتی نسبت به سرسرخت‌ترین مخالفان گزارش نشده و هیچ گاه ناسزاگویی

۹۰

۱. اصول کافی، جلد ۴ ص ۴۴۸.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرائب الأخبار، ص ۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۱، باب آداب طلب العلم و أحکامه، ص ۲۲۴.

مخالفان و دشمنان سرسخت خود را با ناسزاگویی پاسخ نمی دادند. اصحاب خود را نیز از هرگونه خشونت در گفتار و سب که طبعاً موجب شعله ورشدن تنازعات و تعصبات مذهبی می شد، بر حذر می داشتند و اگر از اصحاب آنان نیز حرکاتی که موجب تشدید منازعات یا سب و درگیری های کلامی سر می زد آنان را سرزنش می کردند.

توجه به عواطف مذهبی

ریشه بسیاری از کشمکش های شدید فرقه ای و درگیری های مذهبی تفرقه و اختلاف حتی در میان جوامع دینی را باید در عدم توجه به عواطف مذهبی و دینی و بی احترامی و عدم درک متقابل گروه ها از باورها و مقدسات یکدیگر دانست. به همین خاطر تحریک عواطف و احساسات دینی در میان مذاهب مختلف کاری خطرناک است و هرچند میان آن ها اشتراکات زیادی باشد اما این کار باعث از هم گستنگی میان گروه های مختلف می گردد. به عبارت دیگر، عدم توجه به عواطف مذهبی و یا احیاناً اهانت و تمسخر باورهای دینی که گاه ابزاری در دست دشمن برای از هم جدا کردن مسلمانان است را باید سمی مهلک در جهت اقدام های تقریب گرایانه و وحدت بخش به شمار آورد.

گاهی پاره ای از عقاید و باورها بدون این که هیچ پایه و اساس درستی داشته باشند جنبه قدسی و احترام آمیز به خود می گیرند اما درباره این گونه معتقدات نیز برخوردهای احترام آمیز و خردمندانه بهترین گزینه می باشد و تجربه نشان داده که برخوردهای تحقیر آمیز و توهین و بی احترامی نه تنها فایده ای ندارد بلکه غالباً نتیجه معکوس می دهد.

در سیره و سنت امامان معصوم نسبت به ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان توجه زیادی دیده می شود و هیچ گاه در برخوردهای خود به تحریک احساسات مذهبی مخالفان نمی پرداختند، هرچند پایه و اساس درستی برای آن عقاید وجود نداشته باشد. یکی از محافل مناظره نزد امام جواد علیہ السلام از فضایل خلفاً آن هم با



تکیه بر احادیث نبوی ساختگی سخن به میان آمد، امام برای آنکه علیه او موضع گیری نشود و احساسات طرفداران جریحه دار نشود، ابتدا در ظاهر احترام خلفای نخست را حفظ کرد و در ادامه با استنادهای کاملاً صحیح و موردنقبول آنان به اثبات جعلی بودن این گونه احادیث پرداخت. بدین گونه امام بر پایه صحیح علمی و بدون تحریک احساسات طرفداران این فضایل سؤال جدی در ذهن آنان طرح کرد که موجب می شد به ساختگی بودن برخی اعتقادات خود بیندیشند.^۱

به هر روی امامان با توجه به عواطف مذهبی دیگران سعی می کردند، از هر گونه اهانت و برخوردهای تند و تحریک آمیز نسبت به دیگران پرهیز نمایند حتی اگر این باور ساختگی درباره دشمنان مسلم آنان که غاصب حقشان بودند، باشد و به همین جهت و برای آنکه جامعه اسلامی به تشتبه و واگرایی منجر نشود و به اصحاب و یاران و شیعیان خود درباره موضع گیری علیه خلفاً سفارش به سنجیده گویی می کردند و بر احترام به اصحاب پیامبر ﷺ تأکید داشتند که برخی از این دستورات در جوامع روایی شیعه دیده می شود.^۲ این مباحث به صورت روشن تر در گزارش های منابع اهل سنت دیده می شود ابن سعد نقل می کند از امام باقر علیه السلام پرسش شد که آیا از خاندان شما کسی هست که به شیخین ناسزا بگوید و آن حضرت ضمن پاسخ منفی فرمود آن دو را دوست بدار و به آنان مهروزی کن و برای آنان از خدا آمرزش بخواه.^۳ اگر این موارد حمل بر تقيه شود که بعيد نیست اما مهم این است که ائمه ما نسبت به باورهای دیگران حساس بودند و تا حد ممکن سعی می کردند احساسات دیگران تحریک نشود.

۹۲

۱. سید عبدالرزاق مقرم، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد^۷ ترجمه دکتر پرویز لولاور، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش، صص ۹۸ و ۱۰۰.

۲. نصر ابن مزاحم متقربی، وقعة صفین، انتشارات مؤسسه العربية الحديثة، ۱۳۸۲ق، ص ۱۰۳ و رک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۹۳.

۳. علی بن عیسیٰ اربیلی، کشف الغمہ فی معرفة الانہمہ، انتشارات دارالاوضاع، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۶۰.

عدم تکفیر مخالفان

پدیده تکفیر ریشه بسیاری از مشکلات امروز جهان اسلام است و بر خواسته از تنگ نظری، بدینی، مطلق اندیشی و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه دیگران می‌باشد و از گذشته تابه حال جامعه و فرهنگ اسلامی بیشترین زیان را در این گونه برخوردها متتحمل شده است.

پرهیز از تکفیر و تفسیق‌های نابجای مسلمانان و مذاهب مختلف نسبت به هم علاوه بر آنکه موجب پذیرش اختلاف افکار و تعدد سلایق می‌شود در مسیر تقریب و وحدت اسلامی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. عدم تکفیر مخالفین و پرهیز از تحمیل عقیده و ترک مخاصمه و ستیزه‌جویی از دیگر رویکردهای وحدت‌بخش در سیره ائمه اطهار لطفاً است. در باب نهی از تکفیر مسلمان و مخاصمه فکری و جدال‌های بی‌فایده مذهبی و پیامدهای زیان‌بار فکری، اجتماعی و تربیتی و اخلاقی آن، روایات فراوان از ائمه اطهار لطفاً وجود دارد.^۱ بر پایه این روایات، خصومت‌های کلامی و تکفیر یکدیگر نه تنها تأثیری در هدایت دیگران ندارد بلکه اسباب اختلاف، دشمنی و کینه را فراهم می‌سازد.

امامان شیعه با گشودن باب اجتهاد و تأویل و جلوگیری از تنگ نظری و بدینی نسبت به مخالفان و پرهیز دادن از خودخواهی و استبداد در رأی و تأکید بر معامله مسلمانی با مخالفان مذهبی، تلاش داشتند که از رواج چنین آفتی جلوگیری نمایند.

سیره و سخنان امامان حاکی از این است که آنان دایره مسلمانی و ایمان نجات‌بخش را از بسیاری مخالفان مذهبی و برخی از اصحاب تندرو خود فراتر می‌دانستند. درحالی که برخی مخالفین امامان گاهی به خاطر موضوعات و اختلافات حاشیه‌ای امام را متهم به کفر می‌دانستند اما ائمه هرگز چنین

۱. شیخ صدق، الہدایہ فی الاصول و الفروع، انتشارات موسسه امام هادی قم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷.

نمی کردند. هیچ‌گاه حضرت علی  خوارج را که سرسرخ‌ترین گروه دینی مخالف و بدون مبنای صحیح دینی بودند به کفر و شرک و نفاق متهم نکرد و می‌گفت اینان برادران ما هستند که بر ما ستم نموده‌اند. ایشان درباره ناکشان و اصحاب جمل نیز همین‌گونه سخن می‌گفت.^۱

بنابر یک گزارش وقتی زراره از شاگردان برجسته امام صادق  انسان‌ها را از جهت دینی تنها به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم کرده بود، امام با اشاره به گونه‌های دیگری از مردم نظیر مستضعفین فکری و اهل اعراف که بر اساس آموزه‌های قرآن واسطه بین ایمان و کفر هستند، دیدگاه وی را رد کرد و این تنگ‌نظری و افراط زراره در تعمیم کفر به تمامی جاهلان و منکران امامت را ناشی از جوانی و جهل و کینه وی نسبت به مخالفان دانست.

در مجموع ائمه اطهار  بر لزوم پاییندی بر لوازم و شرایط تقریب و وحدت اسلامی توجه و تأکید داشتند و این شیوه را در سیره عملی و گفتاری و آموزشی خود به کار می‌بردند و با نگاهی به تاریخ اسلام و عصر زندگی امامان معصوم  می‌توان به نقش بسی بدیل و تأثیرگذار آنان در راستای تقریب، نزدیک‌شدن و رفع اختلافات فکری مسلمانان پی برد. امامان شیعه با محور قراردادن قرآن و سنت نبی  مانع بروز اختلاف فکری و تشتن در پیکره امت اسلامی شدند که این سیره همواره باید برای امت اسلامی سرمشق و عبرت‌آموز باشد.

۱. ابن‌ابی‌الحیدد، شرح نهج‌البلاغة، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب حکم قتال البغاء، ص ۸۲

نتیجه‌گیری

اختلاف موجود در میان امت اسلامی هرچند واقعیتی ناپسند است لکن درمان پذیر یا لااقل قابل کاهش و تخفیف است.

امامان از اهل بیت پیامبر ﷺ به عنوان دلسوزترین و مسؤولیت پذیرترین افراد نسبت به امت اسلام از همان آغاز در صدد تلطیف و تخفیف شکاف موجود در میان امت برآمده‌اند.

اندیشه، نگرش و سیره عملی امام علی علیه السلام؛ دلالت بر اهتمام جدی و اثرگذار این امام همام در برقراری همبستگی اسلامی و مؤانست و معاشرت ایمانی و انسانی در میان امت اسلام دارد.

الگو گیری از شیوه تقریب ساز امام علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام؛ و پی گیری آن موجب شکل گیری هرچه بیشتر انسجام و یکرندگی در میان امت اسلام می‌گردد. در همه فرهنگ‌ها و ملل گوناگون، همواره تلاش برای وحدت و استفاده از مزایای آن وجود داشته است.

وحدة در دین اسلام و ملل اسلامی به واسطه وجود مشترک فراوان همچون اعتقاد به خدای واحد، رسالت رسول اکرم ﷺ، قرآن کریم، امامت و رهبری و... می‌تواند خود به خود ایجاد شود و هیچ لزومی هم ندارد که مسلمانان در یک خطه جغرافیایی خاص باشد زیرا منشأ وحدت امت اسلام همان دین فطری اسلام است که همه پیامران الهی در طول تاریخ آن را تبلیغ نموده و متن کامل آن به وسیله خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ ابلاغ شده است. یکی از الگوهایی که می‌تواند ایجاد کننده وحدت حقیقی مسلمانان باشد و تشنۀ کامی بشر جویای عدل را سیراب سازد سیره کلامی و عملی حضرت علی علیه السلام است.

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام حفظ سنت‌های پسندیده، توجه به خواسته‌های بر حق مردم، استفاده صحیح از عواطف و احساسات مردم، با توجه به اعتقادات مسلمانان بر وجود خدای واحد و تمسمک به سیره رسول اکرم ﷺ و پیروی از



امام و رهبر و... از جمله عوامل و عناصر وحدت امت اسلامی است که در موقع
بسیار حساس توانسته است جلوی تفرقه و از هم پاشیدگی این امت را بگیرد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، صبحی صالح.
۳. معايخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، انتشارات ذره، تهران ۱۳۸۶.
۴. نهج‌البلاغه، تصحیح سید علی نقی فیض‌الاسلام، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض‌الاسلام، تهران ۱۳۷۹.
۵. صبحی صالح، نهج‌البلاغه، خطبه ۱، شرح ابن‌ابی الحدید.
۶. فراهیدی، خلیل بن‌احمد، ترتیب‌العین، ج ۱، تصحیح موسسه نشر اسلامی، سال چاپ ۱۴۱۴ هـ ق.
۷. شرف‌الدین، سید عبد‌الحسین، اجتهاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی، چاپ دوم، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ ق.
۸. الدینوری، عبدالله ابن‌قتیبه، الامامة والسيامة، ج ۱، لبنان بیروت ۱۴۱۰ ق.
۹. یعقوبی، احمد ابن‌اسحاق، تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت ۱۹۶۹ م.
۱۰. قاضی نعمان، شرح الأخبار فی فضائل الأئمۃ الأطهار، محمدحسین جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۱ ش.
۱۱. علامه طباطبائی، سید محمد‌حسین، تفسیر المیزان، ج ۳، مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم ۱۳۶۸.
۱۲. نمازی شاهروodi، علی، مستدرک سفینة البحار، ج ۱۰، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، قم ۱۳۸۵ ش.
۱۳. معز‌الدین، محمد‌سعید، ندای وحدت، انتشارات مجتمع جهانی تقریب، تهران ۱۳۷۶.
۱۴. استاد مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، مرکز نشر آثار شهید مطهری، قم ۱۳۶۴.
۱۵. ابن‌بزاری، مناقب ابی حنیفة، ج ۲، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، دارالجیل بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. علی محمد بجاوی، الانقا، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
۱۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، تاریخ مدینه السلام، ج ۱، بیروت ۱۴۱۵.
۱۹. قلانسی، ابن‌میمون-ابوالعز، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، قم ۱۳۷۸.
۲۰. ذهبی، شمس‌الدین، سیراعلام النبلاء، ج ۶، انتشارات آوای منجی، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. بخاری، محمد ابن‌اسماعیل، تاریخ‌الکبیر، ج ۲، بیروت ۱۹۸۶.
۲۲. معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه قم، کتاب برای مبلغان، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: مبلغان، شماره ۳۴، آبان ۱۳۸۱.
۲۳. مبیدی، قاضی میر‌حسین، شرح مبیدی، مقدمه، تهران ۱۲۸۵.
۲۴. عمیره، عبدالرحمان، شرح المقاصد، ج ۵، قم ۱۴۱۲ ق.

۲۵. عاملی، شیخ حر، النوادر، انتشارات مؤسسه آل الیت، قم، ص ۱۲۹، وسائل الشیعه (آل الیت)، ج ۸، قم ۱۴۰۹ ق.
۲۶. خمینی، روح الله، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی(ره) ۱۳۶۸-۱۳۷۹، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران ۱۳۹۲.
۲۷. معزی، اسماعیل، جامع احادیث شیعه، ج ۶، انتشارات مهر ۱۴۲۲ ق.
۲۸. کلینی، نقہ الاسلام، اصول کافی، جلد ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، العلم و الحکمة فی الكتاب و السنّة، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم ۱۳۹۰.
۳۰. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۲ ق.
۳۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، کتابخانه حیدریه و ناشران دیگر، ۱۳۸۵ ق.
۳۲. مقرم، سید عبدالرازاق، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد علیه السلام ترجمه دکتر پرویز لولور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
۳۳. منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، ناشر: مؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ ق.
۳۴. علی ابن عیسیٰ اربلی، کشف الغمہ فی معرفة الائمه، ج ۲، انتشارات دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، الهدایة فی الاصول و الفروع، انتشارات مؤسسه امام هادی قم، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، دارالفکر، بیروت، ۱۹۷۹ م.
۳۷. زمخشیری، الکشاف، ادب الحوزه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۸.
۳۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المتشور، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ ق.
۳۹. هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، انتشارات مکتبه القاهره، مصر ۱۴۱۵ ق.
۴۰. قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، دارالکتب العربي، ط الاولی، انتشارات ناصر خسرو، تهران ۱۳۶۸ ش.
۴۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عيون أخبار الرضا علیه السلام، تهران ۱۳۷۸ ق.
۴۲. تسخیری، محمد علی، درباره وحدت و تقریب، تهران، مجمع تقریب، قم ۱۳۸۳.
۴۳. آوای تقریب. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، قم ۱۳۷۴ ش.